روزنامه شرق

اجتماعی . ادبیات

به رکود تن نداده‌ام، گفت‌وگو با عباس صفاری — صفحه ۸
کمدی فلاکت‌بار ابلوموف و شازده احتجاب — صفحه ۸
روزنامه — صفحه ۱۰

عکس: شرق

ایران درهایش را به روی گردشگران سلامت گشوده است

درمان در ولایت غریب

سعید برآبادی

این‌روزها عرب‌ها مشتری پروپا قرص خدمات بیمارستانی ایران شده‌اند؛ سفر آنها به استان خراسان، استان خوزستان و استان‌های شمالی کشور نه فقط برای زیارت و خرید و استفاده ارزان از طبیعت بکر ایران بلکه همسو با درمان و بستری‌شدن در بیمارستان‌های کشور است. آنها به ایران می‌آیند، ارزان‌تر از کشور خودشان برند می‌خرند، ارزان‌تر از کشور خودشان سفر می‌کنند به کوه و جنگل می‌روند، البته که زیارت بارگاه ملکوتی امام هشتم هم پیوست اصلی تمام این سفرهاست اما آیا برای چنین بازار گسترده‌ای یک مسوولیت یکپارچه وجود دارد که با برنامه‌ریزی دقیق، این میزان گردشگر ورودی را مدیریت کرده و سعی در پایدارکردن چنین رفت‌وآمدهایی کند؟ پاسخ به این سوال را نمی‌توان به‌راحتی و با بررسی مجموعه وظایف و فعالیت‌های انجام‌شده در یک نهاد خاص مورد ارزیابی قرار داد چراکه در این داستان، تنها یک سازمان، بازیگر نقش اصلی نیست و آن چنان که مدیران باتجربه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بارها و بارها گفته‌اند، برای ورود یک گردشگر خارجی به کشور تنها نباید از این سازمان توقع داشت.

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری یک سالی است که دوباره روی پای خود ایستاده و کمی از جنجال‌های سیاسی دولت قبل فاصله گرفته و حالا دوباره به دایره تاثیرگذاران صنعت گردشگری بازگشته است. با این حساب می‌توان از این سازمان توقع داشت که در حوزه گردشگری سلامت طرح و برنامه داشته باشد آن چنان که رییس‌جمهور نیز توجه به این بخش از صنعت گردشگری را در اولویت برنامه‌های این سازمان گنجانده و اگر سلطانی‌فر در مقام ریاست این سازمان آمادگی خود را برای هرگونه تعامل با دیگر نهادها اعلام کرده، هدفی جز به ثمر رسیدن این ایده ندارد؛ ایده‌ای که در خلال بررسی عمیق گردشگران ورودی به کشور به دست آمده ساده است و آن را می‌توان به این صورت بازنمود: «تشکیل قطب‌های گردشگری سلامت برای گردشگران خارجی در سراسر کشور.» این ایده این‌بار در استان مازندران سیر عملی‌شدن خود را به یک کنفرانس بین‌المللی آغاز کرد؛ کنفرانس گردشگری سلامت کشورهای عضو اکو که در آخرین روزهای مردادماه در رامسر برگزار شد و توانست ۷۴ میهمان از ۹ کشور عضو اکو را ترغیب کند سیاست‌هایی را در پیش بگیرند که استان مازندران خدمات پزشکی و گردشگری خود را با رویکرد گردشگری سلامت همراه کند. این موضوع اما تا تحقق کامل با چند چالش اساسی همراه است؛ چالش‌هایی که بخشی از آن در گفتار اعضای مدعو اکو به این کنفرانس مطرح بود و بخش‌های دیگر را کارشناسان گردشگری کشور بیان کردند تا پیش از آنکه جوال‌دوزی به دیگران زده باشند، سوزنی به خود بزنند!

چالش اول: برنامه‌ریزی برای گردشگران

اولین چالش را می‌توان در فهم تازه‌ای از مفهوم گردشگری سلامت یافت. آنجا که «حسینی‌پای» از کارشناسان حوزه گردشگری به «شرق» می‌گوید، گردشگران امروز از مفهوم جهانگردان که پیش‌تر و در زمان مارکوپولو رایج بود فاصله گرفته و به مفهوم واقعی گردشگری نزدیک شده‌اند: «دیگر نمی‌توان مثل گذشته از واژه جهانگرد برای گردشگران استفاده کرد چراکه آنها بدون برنامه و تنها به قصد تجربه‌آموزی و دیدار با ناشناخته‌ها پا در راه سفر می‌گذاشتند اما امروز گردشگران همان‌طور که در نامشان مستتر است با انگیزه خاص و برنامه‌ریزی دقیق از کشور خود به سمت مقصد حرکت می‌کنند.» با این حساب باید پرسید که استان مازندران تا چه حد برای چنین گردشگرانی برنامه‌ریزی کرده که خواهان بدل شدن به قطب گردشگری سلامت در میان کشورهای اکو است. این سوال را «علی احسانی»، معاون استاندار مازندران با تاکید بر نعمت‌های خدادادی استان پاسخ می‌دهد: «مساله اصلی در استان مازندران اقلیم مساعد و طبیعت بکری است که خدا به این بخش از کشور هدیه کرده و نقش مسوولیت مدبرانه حکم می‌کند که از این طبیعت، استفاده و بهره‌برداری پایدار کنیم. اینکه استان مازندران مدعی جذب گردشگران سلامت از گوشه و کنار جهان شده تنها به این معنا نیست که مسوولان بر نعمت‌های خدادادی جنگل و کوه و دریا اکتفا کرده باشند بلکه به این معناست که در افقی نه‌چندان بلندمدت تلاش‌هایی برای مدیریت این نعمات و سوق‌دادن بستر استان در جهت ارایه خدمات به گردشگران فراهم شده.» او به بیمارستان‌های تخصصی، ظرفیت پزشکی در این استان دسترسی‌های اینترنتی و امکان وقت گرفتن از هر نقطه دنیا اشاره می‌کند که حرف‌های سلطانی‌فر در افتتاحیه این کنفرانس را یادآور می‌شود که امروز رشد دانش پزشکی در کشور به اندازه‌ای است که تقریبا در هر روز بیش از هزار عمل جراحی چشم، ۳۰۰ عمل جراحی مغز و صدها پروسه درمانی بیماری‌های صعب‌العلاج صورت می‌گیرد.

چالش دوم: ورود گردشگران

چالش بعدی را می‌توان در روند ورود گردشگران به کشور ارزیابی کرد؛ گردشگرانی که خواستار حضور در ایران برای رفع کسالت‌ها و بیماری‌های خود هستند اما نمی‌توانند به راحتی ویزای ایران را دریافت کنند. نمونه‌اش را می‌توان در اظهارات نمایندگان چند عضو اکوی حاضر در کنفرانس گردشگری سلامت سراغ گرفت. آنجا که نماینده افغانستان از ایران گله می‌کند که چرا به بیماران این کشور «ویزای صحت» راحت داده نمی‌شود و تاکید می‌کند که این اتفاق باعث شده افغان‌ها برای درمان، راه کشور هند را در پیش بگیرند و روزانه حداقل دومیلیون‌دلار ارز به این کشور وارد کنند حال آنکه افغان‌ها به‌خاطر نزدیکی فرهنگ و آداب و رسوم، ترجیح می‌دهند در ایران درمان شوند تا در هر کشور دیگری. در پاسخ به این موضوع، نماینده قرقیزستان به «شرق» می‌گوید: کشورش به یک راه‌حل تازه رسیده که می‌تواند افق گردشگری سلامت و ورود گردشگران این کشور به ایران را تسهیل کند. او در گفت‌وگو با «شرق» برای اولین‌بار از جزییات این طرح سخن می‌گوید: «بر اساس توافقات انجام شده قصد داریم خانه‌های گردشگر را در ایران و قرقیزستان ایجاد کنیم تا از این طریق روابط گردشگری میان دو کشور توسعه پیدا کند چراکه ایران هم به لحاظ تجهیزات پزشکی و بیمارستانی و هم از زاویه طبیعت، کشوری است که همیشه در فهرست علاقه‌های گردشگران کشورم قرار دارد اما فرصت سفر آسان و راحت به ایران کمتر تا به حال فراهم شده است.» علاوه بر چنین تاکتیک‌هایی که در غالب کشورهای عضو اکو قابل تامل و موثر است، سلطانی‌فر، رییس سازمان میراث فرهنگی نیز در حاشیه این کنفرانس به «شرق» از توافقات تازه با وزارت خارجه خبر می‌دهد که می‌تواند در تسهیل ورود گردشگران به کشور نقش‌آفرین باشد: «بر اساس تاکیدات ریاست‌جمهوری در مورد گردشگری سلامت که بهمن‌ماه گذشته صورت گرفت، سازمان از وزارت امورخارجه خواسته است که شرایطی را فراهم کنند تا گردشگران سلامت بتوانند راحت‌تر از قبل برای درمان به کشور ما بیایند چراکه ایران به‌خاطر بیمارستان‌های خلوت، تجهیزات پزشکی و متخصصان مجرب و از همه مهم‌تر، ارزان‌تربودن هزینه‌های درمان، در اولویت گردشگران سلامت منطقه و حتی کشورهای اروپایی و آمریکایی قرار دارد.»

چالش سوم: زیرساخت‌های گردشگری

با این همه اگر قرار باشد گردشگری به قصد سلامت از کشورش به‌سمت استان مازندران حرکت کند، بیش از هرچیز نیازمند زیرساخت‌هایی است که او را به مقصد برساند و این زیرساخت‌ها اگر فراهم نباشد، داشتن بیمارستان‌های تخصصی و آنچنانی چندان نمی‌تواند دردی از دردهای تن رنجورش را درمان کند. مدیران استانی مازندران معتقدند این استان با دارابودن چندین فرودگاه و امکانات خوب جاده‌ای و نزدیکی به بسیاری از کشورهای عضو اکو، رنج سفر را به دل هیچ بیماری نخواهد گذاشت. این موضوعی است که هنوز نیاز به سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر دارد. دکتر محمدرضا کرباسی، دبیرکل اتاق اکو در توضیح نقش اکو در گسترش خدمات و افزایش زیرساخت‌های استان به «شرق» از جلسه‌ای می‌گوید که نخستین‌قدم برای برپایی این کنفرانس بوده و تا به حال نیز همه‌چیز بر اساس همان برنامه‌ریزی درست پیش رفته است: «واقعیت این است که به لحاظ آماری کشورهای عضو اکو در مسیر جذب گردشگر، روندی مثبت داشته‌اند. تنها در سال ۲۰۱۲، ۵۲میلیون‌نفر از کشورهای عضو اکو بازدید کرده‌اند که ترکیه با ۳۵میلیون‌نفر در رتبه اول قرار داشته و کشورهای ایران، قزاقستان، قرقیزستان، آذربایجان، پاکستان، ازبکستان و تاجیکستان به ترتیب با ۴، ۳/۳۹، ۳/۱۰، ۴/۲، ۱، ۰/۹۸، ۰/۱۸ میلیون‌نفر در رتبه‌های بعدی بوده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که ایران با سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش زیرساخت‌ها می‌تواند در جذب گردشگر موفق باشد و به نظر می‌رسد که تاکید بر روی یک‌شاخه خاص و تخصصی از گردشگری، یعنی گردشگری سلامت در همین راستا بوده و اکو نیز ایران را در این راه تنها نگذاشته است.» به‌گفته او اکو در سه‌سال گذشته با برگزاری دونشست گردشگری سلامت در مشهد و اولین کنفرانس گردشگری سلامت در مازندران چراغ‌سبز خود را به ایران نشان داده تا زمینه‌های سرمایه‌گذاری در این کشور فراهم شود و به نظر می‌رسد که ایران نیز از این فرصت استفاده کرده است.

> **کشورهای عضو اکو در مسیر جذب گردشگر، روندی مثبت داشته‌اند. تنها در سال ۲۰۱۲، ۵۲میلیون‌نفر از این کشورها بازدید کرده‌اند که ترکیه با ۳۵میلیون‌نفر در رتبه اول قرار داشته و کشورهای ایران، قزاقستان و قرقیزستان، به ترتیب با ۴، ۳/۳۹و ۳/۱۰ میلیون‌نفر در رتبه‌های بعدی بوده‌اند**

حفاظت از منابع طبیعی

اگرچه به نظر می‌رسد تمام این کوشش‌ها در مسیر میهمان‌نوازی ایرانی‌ها از خارج‌نشینان است اما در لایه‌های زیرین این طرح، سودی هم عاید ایرانی‌ها خواهد کرد و آن حفاظت از منابع طبیعی شمال کشور است که این روزها با هر تعطیلاتی، مصرف شده و بیشتر به پرتگاه نابودی نزدیک می‌شود. گردشگرانی که به قصد تفریح و خلاصی از روزمرگی زندگی، راهی جاده‌های شمال کشور می‌شوند میهمان‌های عزیز کوه و جنگل و رودخانه‌های سرشار دامنه البرز هستند اما عدم استفاده صحیح از این نعمت‌های خدادادی، لزوم تغییر سیاستگذاری‌های کشوری را از گردشگری طبیعت به دیگر بخش‌های گردشگری روشن‌تر از روز می‌کند. اما کدام رویه و کدام هدف درازمدت می‌تواند زمینه‌ساز حفظ درآمد اقتصادی گردشگری از یکسو و کاهش تلفات محیط زیستی از سوی دیگر باشد؟

دکتر علی احسانی، معاون استاندار مازندران به «شرق» می‌گوید که بهترین تغییر رویه در گردشگری این استان، حرکت به سمت گردشگری سلامت است: «باید گردشگری را بر اساس بنیه‌های ذاتی هر استان، اقلیم و توانایی‌های آن تغییر مسیر داد تا هم در کاهش هزینه‌ها موفق باشیم و هم در افزایش درآمدزایی توریسم. به نظرم استان مازندران می‌تواند در این مسیر به سمت گردشگری سلامت حرکت کند که بدون هیچ‌گونه خسارت محیط زیستی‌ای، درآمدزایی بالایی دارد.» او معتقد است که استان مازندران به‌خاطر منابع سرشار آب معدنی، چشمه‌های آب گرم و طبیعت بی‌نظیرش، باید به سمت گردشگری پایدار رفته و از گردشگری طبیعت فاصله بگیرد. با این همه رسیدن به چنین رویه‌ای چندان هم ساده نیست. امکانات حمایت دولتی و البته فرهنگ‌سازی در جامعه محلی می‌خواهد.

اکو، گردشگری و ۴۵۰میلیون مخاطب

در بسیاری از تحلیل‌های منطقه‌ای، کشورهای عضو اکو را کشورهای در حال توسعه منظور کرده‌اند و این موضوع به گسترش روابط این کشورها با یکدیگر و با دنیای بیرون اشاره دارد. گردشگری از قدیمی‌ترین شیوه‌های برقراری مراودات جهانی است و اعضای اکو با ۴۵۰میلیون‌نفر جمعیت در این مسیر حرکت تازه‌ای را آغاز کرده‌اند. اگر امروز ترکیه را به‌عنوان قطب گردشگری تاریخی اکو می‌شناسند شاید مشکل از نوع مدیریت ما بر سایت‌های تاریخی گسترده کشور باستانی‌مان باشد که سال‌ها در انتظار چشمان جست‌وجوگر گردشگران خارجی بوده‌اند و تازه یک‌سالی است که دوباره شاهد حضور آنها در داخل مرزها هستیم. بنابراین تیزهوشی مدیران و مسوولان در انتخاب یک‌گرایش تخصصی در حوزه گردشگری، نشان از عرض‌اندام تازه ایران در حوزه گردشگری میان کشورهای اکو دارد.

این انتخاب تخصصی از آن جهت مهم است که ایران با اقلیم‌های متنوع و پراکنده‌اش و آب و هوایی که هنوز چندان درگیر آلودگی‌های صنعتی نشده، می‌تواند ساده‌ترین ویژگی‌هایی را که دیگر کشورها از آن محروم هستند به‌عنوان آورده اولیه خود در این سرمایه‌گذاری کلان، مطرح کند. این موضوعی است که دیار هژانی، نماینده آذربایجان در حاشیه این کنفرانس به «شرق» می‌گوید ایران از دو منظر بهترین مقصد برای گردشگران سلامت اکو خواهد بود؛ اول به‌خاطر ویژگی‌های طبیعی و دوم به‌خاطر نزدیکی آداب و رسوم و فرهنگ. هژانی توضیح می‌دهد: «آرامش روانی یک بیمار با سفرکردن به یک کشور ناشناخته دچار چالش می‌شود و پروسه درمان را با مشکل مواجه می‌کند بنابراین اکثر بیماران به‌دنبال آن هستند که با حضور در یک کشور همسو و دارای پیشینه فرهنگی مشابه، از اضطراب سفر بکاهند و به درمان خود بپردازند.» به‌گفته او، ایران به خاطر نزدیکی فرهنگی به افغانستان، کشورهای شمال دریای خزر و حتی کشورهای ترکیه، کویت، قطر و... می‌تواند بهشت درمان بیماران این کشورها باشد به این شرط که فرهنگ‌سازی در زمینه ورود گردشگران درمانی در ایران بستر تازه‌ای از احساس رفاقت و برادری میان ایرانی‌ها و میهمانان خارجی‌شان بگشاید: «بیمارستان‌های ایران نیازمند یک چارت اینترنتی یا قابلیت دسترسی و ثبت‌نام غیرحضوری هستند. شهرها باید دچار تغییراتی شوند تا امکان تردد برای بیماران خارجی به راحتی فراهم شود و از همه مهم‌تر استفاده بیشتر از همان حس میهمان‌دوستی است که موجب می‌شود هر بیمار با وجود درد دوری از وطن، از آرامش نسبی برخوردار شود.»

اعضای عضو اکو که در کنفرانس گردشگری سلامت شرکت کرده بودند، در توصیف کوتاهی ایران را در توجه به حوزه‌های گردشگری تخصصی، کشوری با درهای گشوده معرفی کردند و به نظر می‌رسد اگر تا امروز از میان نیم‌میلیاردنفر جمعیت عضو اکو، سهم گردشگری سلامت ایران در بازار رقابت‌ها، تنها نیم‌درصد بوده، این رقم اگرچه بازگو کننده عدم توجه به این حوزه بوده اما نشان از آن دارد که با وجود عدم توجهات لازم، همسایگان ایران مایلند درصورت بروز بیماری، به کشورمان بیایند و درمان شوند.

اما برای رسیدن به چنین هدفی نمی‌توان بازار گردشگری را رودرروی توجهات محیط زیستی قرار داد بلکه به نظر می رسد شرایط مهیا شده برای گردشگری سلامت، فرصتی است که توجه تازه‌ای به محیط زیست در حال خطر مازندران و دیگر استان های شمالی کشور شود. این در حالی است که نبود نقشه راهی مدون تاکنون صدمات و لطمات جدی به چرخه گردشگری در این استان وارد آورده است. نخستین گام اما برای رسیدن به مقصود یعنی گسترش گردشگری سلامت، آشنایی و اطلاع‌رسانی به‌موقع و فراگیر با نعمت‌ها و پتانسیل‌های طبیعی این سرزمین است. اعضای اکو تا سال دیگر فعلا برنامه ای در حوزه گردشگری ندارند و منتظر به نتیجه رسیدن نتایج همین نشست هستند و تا آن زمان عمل به وعده‌های مطرح‌شده در این نشست، شاید بتواند اعتماد متقابل را برای قدم‌های بعدی فراهم کند.

یادداشت

حق همسایگی

ربیع فلاح*

گردشگری سلامت با سود سه‌برابری خود نسبت به گردشگری عادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اولین کنفرانس گردشگری سلامت کشورهای عضو اکو، شاید یکی از نخستین قدم‌هایی بود که عملا در این راه برداشته شد و خوشحالم که بر اساس برنامه‌ریزی‌هایی که روی امکانات و توانایی‌های این استان شد، امروز دیگر همه، مازندران را به‌عنوان قطب گردشگری سلامت کشور می‌شناسند تا استانی باشد برای ادای حق همسایگی به بیماران تمام کشورهای دوست و همسایه.

البته که رشد علم پزشکی در ایران بر کسی پوشیده نیست و اصلا نیازی به یادآوری ندارد که تا همین چندسال پیش، به دلیل کمبود پزشک، از هند دکتر وارد می‌کردیم و حالا در دورافتاده‌ترین روستاها هم پزشکان ایرانی حضور دارند و بهترین بیمارستان‌های تخصصی در هر شهر و روستایی وجود دارد.

امکانات و انرژی فوق‌العاده‌ای که در حوزه پزشکی و درمانی کشور وجود دارد امروز به انگیزه‌ای برای خدمات‌دهی مناسب به گردشگران سلامت خارجی بدل شده و این موضوع نه‌تنها می‌تواند صدهاهزار موقعیت شغلی ایجاد کند بلکه به بازگشت پزشکان ایرانی که روزی به‌دلیل نبودن مشتری یا دستمزدهای پایین کشورشان را تنها گذاشتند خواهد انجامید.

اعضای کشورهای اکو که دو هفته پیش میزبانشان در رامسر بودیم بیش از هرچیز از توانمندی‌های ایران در حوزه پزشکی و استفاده از قابلیت‌های گردشگری طبیعی در کنار گردشگری سلامت متعجب بودند؛ موضوعی که در دیگر کشورهای مدعی در حوزه پزشکی کمتر می‌توان از آن سراغ گرفت. آن کشورها اگرچه بیمارستان‌های مجهزی دارند اما بیمار از پنجره آن بیمارستان‌ها جز تصویر دودگرفته شهرهای صنعتی چیزی نمی‌تواند ببیند حال آنکه در استان مازندران، به هر گوشه از جنگل و دریا و کوه که بنگرید، شاهد طبیعتی هستید که عالی‌ترین سرمایه ما برای درمان آلام بیماران است.

توسعه صنعتی دنیا، نیاز به خلوت‌کردن انسان با طبیعت را دوچندان کرده و این موضوع وقتی که پای بیماری در میان آید از اولویت بالاتری برخوردار است. به همین دلیل مازندران می‌تواند در میان کشورهای مدعی در این زمینه خودی نشان دهد و اعضای اکو نیز در بازدیدشان بر این نکته تاکید کردند. در کنار تاکیدات میهمانان ما، تاییدات رییس سازمان میراث فرهنگی و حضور ایشان در کنفرانس گردشگری سلامت رامسر هم نشان از آن داشت که توانایی‌های این استان قرار است در مسیر توسعه گردشگری سلامت قرار گیرد تا شکوفایی استان مازندران این‌بار از افق تازه‌ای باشد.

استان مازندران حالا پیشقدم این دیدار شده و با بیمارستان‌ها، چشمه‌های آب‌گرم، طبیعت بکر، امکان سفر آسان و... آماده است هم ایران را در این مسیر به شکوفایی و پیشرفت برساند و هم زمینه‌ساز ایجاد یک قطب گردشگری سلامت و درمان در میان اعضای اکو باشد.

*** استاندار مازندران**

نگاه

چرا مازندران؟

دلاور بزرگ‌نیا*

بارها از من پرسیده‌اند که چرا باید استان مازندران به‌عنوان قطب گردشگری سلامت کشور در نظر گرفته شود و نه دیگر استان‌ها. مگر این استان چه امکاناتی را در اختیار بیماران قرار می‌دهد که دیگر استان‌ها قادر به ارایه آن نیستند. واقعیت این است که نگاهی به تعریف دقیق گردشگری سلامت حکایت از آن دارد که تنها تجهیزات پزشکی و خدمات بیمارستانی جزو نیازهای گردشگران سلامت نیستند. آب‌وهوای سالم و چشمه‌های آبگرم و دیگر نعمت‌های خدادادی که جنبه درمانی دارند هم از الزامات یک منطقه گردشگری سلامت به حساب می‌آید و با توجه به پتانسیل و قابلیت‌های گردشگری سلامت در استان مازندران به جرات می‌توان گفت که این خطه از خاک ایران در صورت داشتن برنامه‌ای مدون و علمی و همچنین داشتن امکانات و تسهیلات مناسب می‌تواند تبدیل به قطب گردشگری سلامت در ایران شود. به اعتقاد من توسعه این نوع نوین از گردشگری به دلیل ارتباط تنگاتنگ، به‌عنوان مثال با استفاده از چشمه‌های آبگرم برای درمان، می‌تواند باعث تقویت اکوتوریسم منطقه نیز شود. شاید اگر مردم دنیا تنها با پدیده‌های آبگرم این سرزمین و خواص دارویی آن آشنا شوند، خودبه‌خود گام بزرگی در راستای رسیدن به اهداف توسعه گردشگری سلامت برداشته شده است. همانطور که آشنایی با خزر، غذاهای دریایی و فرهنگ آب در این استان -که امروز مورد بی‌مهری و بی‌توجهی است- آنچنانکه به نظر می‌رسد مردم با دریا قهر کرده‌اند و شاید همین موضوع، تبدیل به عامل مهمی برای آلودگی وسیع این دریا و سواحل آن شده است.

به‌عنوان مثال در روستای آب‌اسک که در هشت‌کیلومتری آمل به تهران در محور هراز در بخش لاریجان قرار دارد، خواص درمانی کمترشناخته‌شده‌ای وجود دارد. بر اساس گفته کارشناسان و پزشکان متخصص این آب‌های معدنی گرم دارای مواد گوگردی هستند. با اینکه قرن‌هاست، این روستا آب‌های گرمش را به بیماران عرضه می‌کند شاید هنوز هستند کسانی که با معجزات چشمه‌های جوشان آن بیگانه باشند؛ روستایی که می‌توان در فصل تابستان برای استفاده از آب معدنی و هوای مطبوع کوهستانی‌اش به آن سفر کرد. پزشکان معتقدند که آب این چشمه برای درمان بیماری‌های پوستی از قبیل اگزما و زخم‌های کهنه توصیه می‌شود؛ آبی که بدون عوارض جانبی می‌تواند تحول شگرفی در پوست‌های بیمار ایجاد کند. نه‌تنها روستای آب اسک، آبگرم لاریجان آمل هم بسیار درمانگر است. این آبگرم در مسیر آمل به تهران در منطقه گزنک، مرکز بخش لاریجان و در ادامه قله دماوند، روستای ییلاقی و خوش‌آب‌وهوای آبگرم قرار دارد. گفته می‌شود، آب‌های گرم و معدنی این روستا با حرارتی حدود ۶۲درجه سرشار از مواد گوگردی بوده و به همین دلیل برای درمان انواع بیماری‌های پوستی، دردهای استخوان، مفاصل و روماتیسم مفید است. آبگرم لاویج، آبگرم دیگری در استان است که پزشکان آن را برای درمان بسیاری از دردها تجویز می‌کنند، این آبگرم در ۲۵کیلومتری جنوب چمستان، از توابع شهرستان نور در روستای ییلاقی لاویج در میان دره‌های جنگلی البرز قرار دارد. آبگرم لاویج داروی دردهای استخوان، مفاصل و بیماری‌های پوستی در تمام فصول است. مازندران به‌راستی بهشت گردشگری درمانی به‌شمار می‌رود، چراکه تعداد آبگرم‌های آن به همین طبیعت ساری است که جنگل، کوه و چشمه‌های زلال و متنوع دارد؛ جایی که نه از شرجی هوا خبری است و نه گرمای طاقت‌فرسای تابستان. چهاردانگه جایی است که در آنجا کوه و جنگل به هم می‌رسند و بکربودن طبیعت بیش از همه در چشمه‌های آب سرد و گرمی که از دل کوه بیرون می‌زنند و در حاشیه جنگل آرام می‌گیرند، جلوه‌گری می‌کند. محلی‌ها به چشمه‌های سورت «باداب» می‌گویند، چراکه آبش گازدار و درمان‌کننده دردهاست. آب چشمه سورت بسیار شور است و استخری با قطر حدود ۱۵متر و عمق زیاد دارد که می‌توان در آن تنی به آب زد، درمان دردهای کمر و پا، امراض پوستی و روماتیسم؛ به‌خصوص پزشکان آن را برای درمان سردرد میگرنی توصیه می‌کنند. چشمه‌های باداب، سورت جهانی هم هستند و در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان دومین اثر طبیعی ملی ایران بعد از کوه دماوند ثبت شده‌اند. می‌گویند چشمه‌های باداب سورت بعد از چشمه «پامو کاله» ترکیه به‌عنوان دومین چشمه آب شور جهان ثبت جهانی نیز شده است. باداب سورت دو چشمه با آب‌های کاملا متفاوت از لحاظ رنگ، بو، مزه و حجم آب است. باداب سورت برای درمان روح و روان‌های خسته هم توصیه می‌شود، زیرا خیال‌انگیزترین صحنه‌های طلوع و غروب خورشید را می‌توان در آنجا دید. تلالو نور خورشید در حوضچه‌ها و انعکاس نور آنها همراه با سایه‌روشن طبیعت اطراف جلوه‌های تحسین‌برانگیز است. این چشم‌اندازهای چشم‌نواز هیچ‌گاه از روح و ذهن فراموش نمی‌شود و بارهاوبارها طبیعت دوستان را به تماشای خود فرامی‌خواند. با این‌حال اگر بخواهم از شهری نام ببرم که در صورت ارایه تسهیلات و برنامه‌ریزی می‌تواند یکی از مهم‌ترین مراکز جلب توریست در ایران شود، رامسر است. پربیراه نیست که رامسر را عروس شهرهای ایران می‌خوانند چرا که کوه، جنگل و دشت و دریا را همه با هم دارد و شاید همین زیبایی‌ها و جاذبه‌های خیره‌کننده باعث شده که درمانگری چشمه‌های آب‌معدنی آن از یادها برود. مازندران با داشتن جاذبه‌های طبیعی علاوه بر آرامش روحی و روانی با داشتن چشمه‌های آب‌معدنی از نظر پزشکی درمانی به‌صورت سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته مجال آن نیست که از ویژگی‌های طبیعی دیگری که می‌توانند باعث آرامش روح و اعتلای آن شوند، سخن گفت که در کنار میراث فرهنگی غنی آن می‌تواند، فصل متفاوتی از گردشگری را در عرصه بین‌المللی باز کند. برای همین تنها یادآوری می‌کنم که در صورت اقدامات اساسی و فراهم‌آوردن بستری مناسب در آینده شاهد تحول بزرگی در این استان خواهیم بود.

*** مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران**